

دوتا ۲۷۲	عهدعتیق / ۱۵
	اول سموئیل و دوم سموئیل
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. در حالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز کتابهای اول و دوم سموئیل را بررسی خواهیم کرد. در مورد منشأ آن، خصوصیتش به‌عنوان مکاشفه الهی، و نیز تقسیم‌بندی‌اش مطالبی خواهیم آموخت. همچنین پیامهای اصلی کتاب های اول و دوم سموئیل را از نظر خواهیم گذراند.

نکته یک- منشأ کتابهای سموئیل

اول) نام کتاب

دو کتاب سموئیل در اصل يك کتاب بودند، اما در زمان ترجمه یونانی عهدعتیق، بدلیل حجم زیادی که داشتند به صورت دو کتاب از هم تفکیک شدند. نام "سموئیل" به این دلیل بر این کتابها گذاشته شد زیرا سموئیل نبی، شخصیت اصلی در ۱۲ فصل نخست این کتاب است، و همچنین رهبر مکتب انبیایی است که نوشته‌هایشان بعنوان منابع این کتابها مورد استفاده قرار گرفت. نام "سموئیل" یعنی "خداوند او را شنید"، بدین معنا که خدا دعای حنا را در مورد داشتن شنید.

دوم) نویسنده و زمان و تاریخ نگارش.

کتابهای سموئیل چگونه نوشته شدند؟ از آنجایی که وقایع این کتاب از زمان تولد سموئیل در ۱۱۰۵ قبل از میلاد تا پایان سلطنت داود در ۹۷۰ قبل از میلاد، یعنی مدت زمانی حداقل ۱۳۰ سال طول کشید، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده، برای نوشتن این کتابها از منابع اطلاعاتی شفاهی و مکتوب دیگری نیز استفاده کرده است. در دوم سموئیل ۱۸:۱، نویسنده از "کتاب یاشر" نام می‌برد، یعنی کتابی که در زمان یوشع نیز وجود داشت و به احتمال زیاد، مجموعه‌ای بود از اشعار در دوره‌های مختلف. این نکته که او از منابع دیگر نامی نمی‌برد شاید به این دلیل باشد که چنین اسنادی براحتی در اختیار عموم مردم قرار نداشتند. با اینحال، کتاب مقدس بسیار روشن اعلام می‌کند که اسناد مکتوب دیگری نیز وجود داشته‌اند. در اول تواریخ ۲۹:۲۹ به "اخبار سموئیل رایبی و اخبار جاد رایبی و اخبار ناتان نبی اشاره می‌شود". محتوای دو کتاب سموئیل تا حد زیادی و بصورت جزء به جزء با محتوای کتاب اول تواریخ مشابهت دارد. بنابراین نویسنده، باید از این نوشته‌ها برای نوشتن کتابهای سموئیل استفاده کرده باشد. نویسنده حتماً از نوشته‌های سموئیل نبی برای نوشتن شرح زندگی سموئیل در فصل‌های ۱ تا ۱۵ اول سموئیل استفاده کرده است. همچنین او باید از نوشته‌های جاد و ناتان برای نگارش در مورد داود پادشاه نیز استفاده کرده باشد. همینطور از "اخبار ایام داود پادشاه" (اول تواریخ ۲۷: ۲۴) نیز باید استفاده شده باشد. این آثار مکتوب به احتمال زیاد باید حاوی وقایع سیاسی مربوط به روزگار داود باشند. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مهمترین وظیفه نویسنده این بوده که "مطالب مکتوب انبیا را گردآوری نماید و به تدوین تاریخ انتقال از دوره داوران به دوره پادشاهان در اسرائیل بپردازد."

کتابهای سموئیل در چه زمانی نوشته شدند؟ در زمان سلطنت شاول در اول سموئیل ۱۷: ۵۲ و ۱۸: ۱۶، به کار بردن اسامی "اسرائیل و یهودا" بعنوان دو حکومت مستقل بجای يك حکومت واحد، نشان می‌دهد که نویسنده، احتمالاً کتابها را در سال ۹۳۱ قبل از میلاد نوشت یعنی کمی پس از اینکه اسرائیل بصورت پادشاهی یهودا در جنوب و پادشاهی اسرائیل در شمال تجزیه شد. اما از آنجایی که نویسنده از آثار مکتوب انبیایی همچون سموئیل، جاد و ناتان نیز استفاده کرده است، بنابراین حتی اگر این آثار بصورت فعلی خود پس از مرگ نویسنده گردآوری شده باشند، باز هم احتمال می‌رود که نویسنده، این آثار را در دوره سلطنت سلیمان، یعنی قبل از سال ۹۳۱ قبل از میلاد گردآوری کرده باشد.

نویسنده دو کتاب سموئیل کیست؟ کتاب مقدس در مورد نویسنده این کتابها چیزی نمی‌گوید. با اینهمه، مانند دیگر نویسندگان کتابهای دیگر کتاب مقدس، نویسنده این کتاب نیز در خدمت نویسنده الهی این کتابها، یعنی روح القدس قرار داشت، و بطور دقیق همان چیزهایی را گردآوری کرد و نوشت که خدا قصد داشت مردم از آن اطلاع داشته باشند.

نکته دو- تقسیم‌بندی کتابهای سموئیل

مضمون اصلی کتابهای سموئیل این است که "حکومت الهی، یعنی حکومت مستقیم خدا از طریق پادشاهان زمینی، هرگز نمی‌توانست بطور کامل از طریق پادشاهان گناهکار و ناتوان اسرائیل تحقق پذیرد." بنابراین، کتابهای سموئیل، اسرائیل و دیگر اقوام روی زمین را برای ظهور یگانه پادشاهی که تنها او می‌توانست حکومت الهی را متحقق سازد آماده می‌ساخت، یعنی آن مسیح موعود یا عیسی مسیح. سلطنت خدا از طریق عیسی مسیح در دوره عهدجدید، یگانه طریق تحقق و انجام حکومت الهی بود که قبلاً در عهدعتیق هم وجود داشت.

کتابهای سموئیل را می‌توان به طریق زیر تقسیم کرد:

بخش اول) مشتمل است بر اول سموئیل ۱ تا ۱۲. موضوع این بخش "سموئیل نبی" است. فصلهای ۱ تا ۳ چگونگی تولد، جوانی و دعوت او را برای نبوت، و به موازات آن، فساد کهانت را در خاندان عیسی شرح می‌دهند. در فصلهای ۴ تا ۶ چگونگی به اسارت رفتن صندوقچه (یا تابوت) عهد توسط فلسطینیان و داوری خدا بر خاندان عیسی شرح داده شده است. فصل ۷ داوری سموئیل را بر قوم اسرائیل و همچنین شکست فلسطینیان بدست آبن عزر را تشریح می‌کند. فصلهای ۸ تا ۱۱ شرح می‌دهند که چگونه اسرائیل صاحب اولین پادشاه خود شد. در فصل ۱۲ سخنان وداع سموئیل با قوم اسرائیل شرح داده شده است.

بخش دوم) مشتمل است بر اول سموئیل فصلهای ۱۳ تا ۳۱. موضوع این بخش، شاول پادشاه است. فصلهای ۱۳ تا ۱۵ عملیات نظامی شاول را علیه فلسطینیان و عمالیقان شرح می‌دهند. در اینجا پسر شاول، یعنی یوناتان در مقام يك قهرمان ظاهر

می‌شود، همچنین می‌بینیم که چگونه ناطاعتی شاول، به خلع شدن او از سلطنت منجر می‌شود. فصلهای ۱۶ تا ۱۸، رابطه میان شاول و داود را شرح می‌دهند. در اینجا نویسنده بطور خاص مسح داود و انتصاب او به خدمت در دربار شاول، پیروزی او بر جلیات، دوستی او با یوناتان، پیروزی‌های فزاینده او و ازدواج او با میکال را شرح می‌دهد. در فصلهای ۱۹ تا ۲۰، جدایی نهایی شاول و داود شرح داده می‌شود، یعنی زمانی که یوناتان تصمیم می‌گیرد تا جانب داود را بگیرد. در فصلهای ۲۱ تا ۲۶ آواره شدن داود در بیابانها و غارهای یهودیه شرح داده می‌شود، یعنی زمانی که شاول به او جفا می‌رساند. در فصلهای ۲۷ تا ۳۱ شرح داده می‌شود که چگونه داود در نواحی فلسطین زندگی می‌کرد و همینطور آخرین نبرد شاول علیه فلسطینیان نیز شرح داده شده است. این بخش با مرگ شاول و پسرانش پایان می‌گیرد.

بخش سوم) مشتمل است بر دوم سموئیل فصلهای ۱ تا ۲۴. موضوع اصلی این بخش، داود پادشاه است.

از فصل ۱ تا ۴ پادشاهی داود بر سبط یهودا، در حبرون شرح داده می‌شود.

در فصلهای ۵ تا ۹، از "داود بعنوان پادشاه بزرگ" همه دوازده اسباط اسرائیل، در اورشلیم نام برده می‌شود. در این فصلها داود را در اوج خود می‌بینیم: یعنی بعنوان "پادشاه خداسالاری واقعی". او اورشلیم را فتح می‌کند و فلسطینیان را شکست می‌دهد (۵). او مکانی را برای صندوقچه (یا تابوت) عهد در اورشلیم برقرار می‌سازد (۶). خداوند نه تنها او را با شهرت و افتخار و خانواده‌ای پرجمعیت و ثروت کلان برکت می‌دهد، بلکه به او وعده می‌دهد تا سلطنت، تا به ابد در نسل او باقی بماند. داود در پاسخ، خدا را عبادت و شکر می‌کند و آرزو می‌کند تا فقط بعنوان خدمتگزار خدا باقی بماند (۷). او رحمتی کاهانه و محبتی شاهانه نسبت به پسر یوناتان از خود نشان می‌دهد (۹).

در فصلهای ۱۰ تا ۲۰، داود بعنوان "انسانی ضعیف معرفی می‌شود". در این فصلها، بخشهای تاریک حکومت داود شرح داده می‌شود و این نکته نشان می‌دهد که "خداسالاری آرمانی حتی تحت حکومت پادشاهی همچون داود نیز نمی‌توانست تحقق‌پذیر باشد". در حین جنگ با عمونیان، داود با بتشیع مرتکب عمل زنا شد و همسر او را به قتل رساند (۱۱). هرچند خداوند او را آمرزید، اما گناهان او عواقب ناگواری در پی داشت: یعنی مرگ فرزند (۱۲)، عمل زنا با محارم که پسرش امنون مرتکب شد و متعاقب آن، قتل امنون توسط ابشالوم، پسر دیگر داود (۱۳)، جدایی بین داود و پسرش ابشالوم (۱۴)، توطئه ابشالوم و فرار داود (۱۵)، نفرین شمعی و تجاوز به کنیزان داود (۱۶)، مرگ ابشالوم (۱۸) و شورش شبع (۲۰).

فصلهای ۲۱ تا ۲۴ نتیجه‌گیری کتاب است و نگارش آن هم به نثر است و هم به شعر و به شرح زندگی داود خاتمه می‌دهد: در فصل ۲۲، مزمور ۱۸ وجود دارد، یعنی سرودی که یادآور رحمت‌های خدا نسبت به داود است. فصل ۲۳: ۱ - ۷ شامل آخرین کلام نبوتی داود، نبوتی در باره آمدن مسیح می‌باشد. شاید در اصل در نظر بود که فصل ۲۲ تا ۲۳: ۷ در پایان کتاب جای بگیرد، اما نویسنده بعدها چنین صلاح دید تا بعنوان مقدمه‌ای بر ساخته شدن معبد، فهرست مردان زورمند داود و ماجرای نحوه انتخاب مکان معبد در اینجا گنجانده شوند.

نکته سه- عیسی مسیح، آن مسیح موعود، در کتاب‌های سموئیل

اول) مسیح موعود قرار بود هم کاهن اعظم امین باشد و هم پادشاه مسح‌یافته.

به این نبوت که در اول سموئیل ۲: ۳۵ آمده، در بخش بعدی خواهیم پرداخت.

دوم) قرار بود مسیح موعود پسر خدا باشد و تخت و سلطنت او تا ابد ادامه پیدا کند.

این نبوت که در دوم سموئیل ۷: ۱۱ (قسمت دوم آیه) تا ۱۶ آمده، در لوقا ۱: ۳۲-۳۳ و عبرانیان ۱: ۵ شرح داده شده است. در لوقا ۱: ۳۲-۳۳، فرشته بر مریم آشکار می‌کند که عیسی "بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسمی شود، و خداوند خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود. او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود." فرشته نمی‌گوید که مسیح موعود قرار است فرزند جسمانی خدا باشد، بلکه می‌گوید که او "فرزند روحانی" خدا خواهد بود. رابطه بین خدای پدر و خدای پسر، و رای قابلیت فهم و درک انسانی قرار دارد. این رابطه در قالب کلمات انسانی، بعنوان رابطه نزدیک بین پدر و فرزند بیان شده است. دانستن این نکته اهمیت دارد که در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد نبوت شد که مسیح موعود باید با ذات انسانی از خاندان داود ظاهر می‌گردید، اما او با ذات الهی خود، در رابطه بی‌همتایی با خدا قرار داشت. همچنین نبوت شد که برای سلطنت او هیچ پایانی وجود نخواهد داشت.

سوم) مسیح موعود حکمرانی عادل خواهد بود که نجات را به خداترسان خواهد بخشید، اما هلاکت را به

انسانهایی که از خدا، ترسی ندارند.

در دوم سموئیل ۲۳: ۱-۷، داود در مورد ظهور مسیح موعود نبوت می‌کند. او می‌گوید که خدا از طریق روح القدس به او فرمود: "آنکه بر مردمان حکمرانی کند، عادل باشد و با خداترسی سلطنت نماید. و او خواهد بود مثل روشنایی صبح، وقتی که آفتاب طلوع نماید." "رسالت مسیح موعود این بود که بر تمامی قومها و ملل جهان حکمرانی کند. قوم اسرائیل نیز در این بین مستثنا نبود." جلال سلطنت مسیح موعود نقطه پایانی برای سلطنت تاریکی محسوب می‌شد، تا طلوع نجات را به همراه بیاورد، و از طریق حکمرانی عادلانه خود بر تمامی انسانها، آنان از برکات بی‌کران او نصیب ببرند (مزمور ۷۲: ۱-۷ و ۱۷). مسیح موعود قرار نبود تا این اقتدار را از طریق بی‌عدالتی سیاسی یا خشونت نظامی بدست آورد، بلکه آن را بعنوان حقی که از سوی خدا به او عطا شده بود دریافت خواهد داشت. تأثیر سلطنت او مانند طراوت زمین پس از بارش باران خواهد بود.

داود، مسیح موعود را به وعده‌ای که خدا به او در دوم سموئیل ۷: ۱۱-۱۶ داده بود مرتبط می‌کند. وعده خدا شامل عهدی جاودان با داود بود، عهدی که هر بخش از آن معین و تثبیت شده بود. عهد خدا از نسل فرزندان داود جدا نمی‌شد و گناهان نسل او آن را به مخاطره نمی‌انداختند. همان‌گونه که عهد خدا قرار بود تا نجات و انجام هر آرزو را برای قوم خدا بدنبال داشته باشد، به همان ترتیب، روز مسیح موعود نیز روز داوری برای تمام انسانهایی خواهد بود که شرارت می‌ورزند و از خدای کتاب مقدس ترسی ندارند. آنها مانند خارهایی خواهند بود که با شن‌کش آهنین ریشه‌کن خواهند شد و در همانجا بالکل با آتش خواهند سوخت.

نکته چهار- پیامهای اصلی کتابهای سموئیل (اول) کاهنان در پرتو کتابمقدس.

"کاهنان با عبادت و قربانیهای خود، نمایندگان قوم خدا در حضور خدا هستند. کاهنان راستین، خدمتگزاران مردم در حضور خدا هستند و با امانت آنچه را که در قلب و فکر خدا است نسبت به انسانها انجام می‌دهند" فصلهای ۱ تا ۳ در اول سموئیل، فساد کهنات را در اسرائیل تشریح می‌کند. در آن زمان، ریاست کهنات با عیلی و پسران مفسد او در محلی بنام شیلوه بود. "صندوقچه (یا تابوت) عهد" صندوقی ساخته شده از چوب بود که در آن احکام مکتوب خدا نگاهداری می‌شدند. صندوقچه (یا تابوت) عهد، در مقدس‌ترین مکان عبادتگاه نگاهداری می‌شد. صندوقچه (یا تابوت) عهد نماینده حضور خدای کتابمقدس در میان قوم خویش بود (اول تواریخ ۱۳: ۶). صندوقچه (یا تابوت) عهد بدست فلسطینیان گرفته شد، اما فلسطینیان بعدها آن را بازگرداندند. سپس به مدت بیست سال در مکانی بنام قریت‌یعاریم باقی ماند و تا زمانی که داود آن را به اورشلیم بازگرداند تقریباً به فراموشی سپرده شده بود. بعدها داود، در مکانی که قرار بود معبد بر آن ساخته شود مذبحی بنا کرد. هرچند در بخشهای اول کتابهای سموئیل چنین بنظر می‌رسد که خدمت پرستش خدای اسرائیل در حال نابودی است، اما در انتهای کتابهای سموئیل نشان داده می‌شود که همزمان با فراهم آوردن تدارکات برای ساختن مکان هیکلی که قرار بود در آینده بنا شود، این خدمت نیز جانی تازه می‌یابد.

اول سموئیل ۲: ۳۵ حاوی يك نبوت از يك نبي گمنام است. در این نبوت خداوند می‌فرماید: "و کاهن امینی به جهت خود برپا خواهم داشت که موافق دل و جان من رفتار خواهد نمود و برای او خانه مستحکمی بنا خواهم کرد، و به حضور مسیح من پیوسته سلوک خواهد نمود." اصطلاح مشابه در آیه ۳۲ برای کلمه "پیوسته" این نکته را می‌رساند که این نبوت نمی‌تواند تنها به يك فرد اشاره داشته باشد. این نبوت مربوط به يك کاهن امین یا يك پادشاه مسح‌شده نیست، بلکه مربوط می‌شود به کاهنانی که قرار است در آینده، تحت حکومت پادشاهان آتی در اسرائیل کهنات کنند. بخشی از این نبوت با خدمت سموئیل تحقق یافت، اما این نبوت در واقع به کاهنانی اشاره می‌کند که در روزگار کلیه پادشاهان سلسله داود و در ردیف صادق کاهن خدمت خواهند کرد (اول پادشاهان ۲: ۳۵).

و بالاخره، مزمور ۱۱۰: ۴ و زکریا ۶: ۱۳ تعلیم می‌دهند که این نبوت بطور کامل و بدون کموکاست در مورد عیسی مسیح و سلطنت او در "دوره عهدجدید" تحقق پیدا کرد. بر اساس اول پطرس ۲: ۵ و مکاشفه ۲۰: ۶، همه مسیحیان راستین، بواسطه روح القدس، "کاهنان خدا و مسیح هستند که با عیسی مسیح سلطنت می‌کنند"، یعنی کسی که از زمان اولین ظهور تا زمان بازگشت خود، کاهن اعظم و یگانه پادشاه مسح شده می‌باشد.

دوم) انبیا در پرتو کتابمقدس.

"انبیا، با اعلام کردن پیام خدا به قوم خدا، نماینده خدا در میان مردم می‌باشند. انبیای راستین، واسطه‌های انتقال مکاشفات خدا هستند، بویژه برای اینکه اراده و اوامر خدا را برای مردم تشریح کنند." هرچند اسرائیل قبلاً نیز دارای انبیایی بود (تثنیه ۱۸: ۱۶-۲۰)، اما بطور مخصوص از زمان سموئیل به بعد بود که انبیا تبدیل به پدیده‌ای ثابت و دائم در اسرائیل شدند. سموئیل آخرین داور در اسرائیل محسوب می‌شود. او در مقام نبی، مکرراً از سوی خدا مکاشفاتی دریافت می‌کرد (اول سموئیل ۳: ۱۰ و ۱۹-۲۱). سموئیل سخنان خدا را به همه قوم اسرائیل (۴: ۱)، و به پادشاهان انتقال می‌داد (۱۵: ۱۰). او شاول پادشاه و داود پادشاه را مسح نمود (۱۰: ۱۰ و ۱۶: ۱۳) و خدا در پاسخ به دعای او معجزات کرد (۷: ۹ و ۱۲: ۱۸). همچنین گروهی از انبیا در کنار سموئیل پرورش یافتند (۱۰: ۱۰، ۱۹: ۲۰). پرورش مکتب انبیا در کنار سلطنت خداسالاری امری تصادفی نیست. رسالت انبیا انتقال اراده خدا به عالیترین مقامها در دستگاه حکومتی بود (دوم سموئیل ۷ و ۱۲) و اینکه بتوانند در اعمال خودسرانه و متکبرانه پادشاهان تعادلی ایجاد کنند. برای مثال، در اول سموئیل ۱۵: ۲۳-۱۷، سموئیل نبی، با بی‌باکی اراده خدا را به شاول پادشاه اعلام کرد و به او گفت که اطاعت از کلام خدا بهتر از آوردن قربانیها نزد خدا است، و برای او توضیح داد که ترمرد علیه خدا مثل گناه جادوگری یا فال‌بینی است و تکبر مثل شرارت بت‌پرستی است.

سوم) پادشاهان در پرتو کتابمقدس

"پادشاه، نماینده سلطنت خدا بر قوم او همراه با عدل و عدالت می‌باشد. پادشاهان خداسالار واقعی خدمتگزاران خدا هستند و بر اساس کلام خدا حکمرانی می‌کنند." هدف از نوشته شدن کتابهای سموئیل این است که برقراری نظام پادشاهی در اسرائیل تشریح شود. این، فقط به منزله شرح تاریخ دنیوی وقایع سیاسی در تاریخ اسرائیل نیست. بلکه این يك "تاریخ الهی" محسوب می‌شود که برقراری نظام راستین پادشاهی بر اساس حکومت الهی را در اسرائیل توصیف می‌کند، یعنی آن نوع سلطنتی که منظور نظر خدا بود، یعنی حاکمیت مستقیم خدا بواسطه پادشاهان زمینی. سلطنت خداسالاری امری بود ضروری، زیرا در خاندان عیلی، کهنات دچار نقصان و فساد شده بود و اسرائیلیان زیر یوغ فلسطینیان در رنج بسر می‌بردند. سموئیل نبی پیشگام نظام پادشاهی الهی گردید. در ابتدای امر، سموئیل با درخواست اسرائیل برای برخورداری از پادشاه مخالف بود، زیرا انگیزه اسرائیل از اینکه همانند دیگر ملتها پادشاهی برای خود داشته باشند، انگیزه‌ای نادرست بود. با وجود این، بنا به امر خدا، سموئیل اولین پادشاه اسرائیل، یعنی شاول را مسح کرد. اما شاول پادشاه ثابت کرد که پادشاه راستین الهی نبود که بتواند با تصورات سموئیل و میل خدا مطابقت داشته باشد. هرچند اسرائیل همانی را که بدنبالش بودند یافتند، اما آنان به اتفاق شاول مجازات شدند. در اول سموئیل بیشترین تأکید بر عدم توفیق سلطنت خداسالاری شاول است.

اما مقصود خدا از سلطنت خداسالاری چیزی است شکست‌ناپذیر که ناکامی نمی‌شناسد. از این رو، اول سموئیل به شرح تاریخ داود می‌پردازد. خداوند داود را مردی موافق دل خود نامید (اول سموئیل ۱۳: ۱۴). خداوند داود را برگزید تا پادشاه خداسالار واقعی در اسرائیل باشد و "نمونه"‌ای باشد از خداسالاری واقعی آن پادشاهی که بر تمامی جهان سلطنت می‌کند، یعنی آن مسیح موعود، عیسی مسیح. حتی در زمان موسی، خدا اسرائیل را برای ظهور چنین سلطنتی آماده کرده بود (تثنیه ۱۷: ۱۴-۲۰). پادشاه الهی نباید مالک داراییهای بسیار، یا زنان متعدد برای خویش باشد. او باید نسخه‌ای از احکام خدا را با خود همراه

داشته باشد و همه ایام عمر خویش آن را بخواند تا بیاموزد چگونه به خدا احترام بگذارد و از تمامی اوامر او اطاعت کند. و از آنجایی که او فقط خدمتگزار خدا است، بنابراین نباید خود را عالیتر از زیردستانش فرض کند. وظیفه پادشاهان خداسالار این بود که مالکیت اسرائیل بر سرزمین کنعان را تثبیت کنند، بدین ترتیب که تمامی سرزمین کنعان را فتح کنند، یعنی همان سرزمینی که خدا به ابراهیم در پیدایش ۱۵: ۱۸-۱۹ وعده اش را داده بود و یوشع نتوانسته بود آن وعده را عملی سازد (یوشع ۱۵: ۶۳ و ۱۶: ۱۰ و ۱۸: ۲-۳). تحت حکومت داود پادشاه، مرزهای پادشاهی اسرائیل به گسترده‌ترین حد خود رسید. اول پادشاهان ۴: ۲۰-۲۱ می‌فرماید: "و یهودا و اسرائیل مثل ریگ کنار دریا بشماره بودند ... و سلیمان بر تمامی ممالک، از نهر فرات ... تا سر حد مصر سلطنت می‌نمود."

داود، این پادشاه خداسالار، خود را تنها خدمتگزار خدا محسوب می‌کند. پیش از هر نبردی، او قبل از هر چیز از خدا، یعنی از پادشاه اصلی سوال می‌کند تا چه کند. او صندوقچه (تابوت) عهد را که به فراموشی سپرده شده بود به اورشلیم باز می‌گرداند و بدین ترتیب حضور و سلطنت خدا را در میان قوم خویش احیا می‌سازد.

پادشاه خداسالار، داور عادل منصف نیز هست. دوم سموئیل ۸: ۱۵ می‌فرماید: "و داود بر تمامی قوم خود داوری و انصاف را اجرا می‌داشت." او فروتن نیز بود و از همه چیزهایی که انبیای خدا به او می‌گفتند اطاعت می‌کرد. بطور خلاصه می‌توان گفت قدرتمندترین دوران سلطنت در اسرائیل هنگامی بود که پادشاه در مقام خدمتگزار خدا سلطنت می‌کرد و حکومت او بر اساس معیارهای اخلاقی و روحانی عالی کلام خدا بود. از سویی دیگر، ضعیفترین دوران سلطنت زمانی بود که پادشاه، مانند دیگر پادشاهان جهان حکومت می‌کرد و آنچه را که منظور نظر خویش بود انجام می‌داد. حتی داود پادشاه نیز توفیق نیافت پادشاه خداسالار نمونه باشد. فصلهای ۱۰ تا ۲۰ در دوم سموئیل شرح می‌دهند که او چگونه مرتکب عمل زنا و قتل گردید. گناهان او باعث شد تا زندگی خود او و زندگی تمامی افراد خانواده و ملت خویش را در مخاطره جدی ببیند. بخش دوم تاریخ داود پادشاه ثابت می‌کند که "آرمان حکومت الهی، یعنی حکومت مستقیم خدا از طریق پادشاهان زمینی، از طریق انسانهای ضعیف و خطاکار نمی‌تواند تحقق‌پذیر باشد. درک همین نکته، اسرائیل و تمامی اقوام دیگر روی زمین را برای ظهور یگانه پادشاه خداسالار، آن مسیح موعود، عیسی مسیح آماده ساخت."

تکلیف برای هفته آینده

- اول) در طول هفته آینده، کتابهای اول و دوم پادشاهان را بخوانید. هفته آینده، به معرفی دو کتاب پادشاهان خواهیم پرداخت.
- دوم) کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
- سوم) هر شب تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .